

تحلیل مناظره با عنوان :

برهان حدوث عالم / ۲

تحلیل گر:

استاد امید (پژوهشگر فلسفه)



جناب زئوس



مناظره کنندگان:



دکتر باقرپور کاشانی

• بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ •

«تحلیل مناظره با عنوان:

👉 برهان حدوث عالم/۲

«مناظره کنندگان:

👉 دکتر باقرپور کاشانی و جناب زئوس.

«تحلیل گر:

👉 استاد امید «پژوهشگر فلسفه»

«تاریخ: ۱۴۰۱/۱/۶

«امکان: مجموعه‌ی به‌سوی ظهور

MAHDISM_12 @

.....

بسم الله

سلام و ارادت خدمت همه اعضای حاضر در گروه

((بدون مقدمه نکاتی رو خدمتون عرض کنیم)): ﷻ ﷻ ﷻ

یه کلامی آقای زئوس داشت که این صحبتشون روی اعصاب آدم رژه می ره! ایشون گفت: دکتر کاشانی شما استدلال نیاوردید و فقط می گید چون امام صادق گفته می پذیریم.

انصافاً این صحبت در وهله اول جفا در حق کلام دکتر هست دو ما توهین به شعور مخاطبین است.

دوستان چندتا استدلال در صحبتای آقای کاشانی دیدم که این ادله رو کمی تفصیل خواهم و قضاوت رو به عهد شما می گذارم. کسانی که می دانند: ﷻ استدلال چیست! در مورد این ادله نظر دهند.

پردازیم به استدلالِ نخست:

(1) هر متغیری حادث است؛

من آگه قرار باشه به آقای کاشانی یه گله ای داشته باشم این هست که ﴿ در مقابل
آقای زنوس از ایجاز استفاده می کنند.
در علم فصاحت و بلاغت کلام ایجاز نسبت به شخص خاصی است تطویل نسبت به
شخص خاصی است مساوات هم نسبت به شخص خاصی است.
ایجاز یعنی: مختصر گوئی!

یکی از جاهایی که از کلام ﴿ موجز استفاده می کنیم جایی هست که مخاطب
تیزهوش باشد مثلاً

همین جمله معروف: العاقل یکفی بالاشاره!

بانهایت احترام به آقای زنوس ایشان در مباحث دقیق و عمیق فلسفی به این درجه
نرسیدند که شما مختصر صحبت می کنید. 🌹

این روبه عنوان کسی که سالیان سال فلسفه و منطق رو درو کردم خدمتون
عرض کردم بدون هرگونه قصد تخریبی و در واقع گله ای است به دکتر کاشانی!
قصد ندارم اقسام حرکت در فلسفه رو تبیین کنم بعد یک سری تفصیلاتی در این
زمینه داشته باشم چون واقعاً مجالش هم نیست.

((ولی یکم ذهنِ دوستان رو با این مقدمه آشنا کنم)): ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾ بی نهایت با اضافه

10000 = بی نهایت

بی نهایت منهای 10000 = بی نهایت

در ابتدا از دوستان خواهش می کنم یک تصور درستی از بی نهایت داشته باشند.
درست در لفظ 7 حرف بیشتر نیست ولی بی نهایت بگذرد خیلی حرفه! (=

100000 میلیون و یک تریلیون سال نیست!)

((چون آقای زنوس سینه چاک علوم تجربی و ساینس

هستند به احترام ایشان یک رفرنس هم در کنار این نکته

(=👉) قرار خواهیم داد)): ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾

Hubble Finds Universe Expanding Faster Than Expected |

NASA

هابل کشف کرد جهان "در حال وسعتی مافوق انتظار است..."



<https://www.nasa.gov/feature/goddard/2016/nasa-s-hubble-finds-universe-is-expanding-faster-than-expected>

~~~~~  
no one understands why the cosmological constant should even be there, much less why it would have exactly the right value to cause the observed acceleration of the universe.

"هیچ کس نمی فهمد چرا ثابت کیهانی باید وجود داشته باشد، چه رسد به اینکه چرا باید دقیقاً همان میزان دقیق را داشته باشد که باعث تسریع انبساط کیهانی شود..."



<https://science.nasa.gov/astrophysics/focus-areas/what-is-dark-energy>

دوستان جهان در حال انبساط است در حال حرکت است حال اگر این حرکت از «بی‌نهایت» قبل بود باید الان شاهدِ نهایتِ تغییری بودیم چون از بی‌نهایت قبل بوده است ولی شاهدِ نهایتِ تغییر نیستیم پس:  $\infty$  عالم ماده از بی‌نهایت قبل نبوده است. فرض کنید یک بادکنک رو از بی‌نهایت قبل دارید بادی کنید این بادکنک باید به چه مقدار باد شده باشد؟؟؟ اگر یک تصور صحیحی از این مطلب داشته باشید خواهید گفت: عالم ماده شروع و ابتدائی دارد به تعبیر آخری: عالم ماده حادث است. ((حال؛ حدوثِ عالم ماده از چند حال خارج نیست)):

(1) خودش، خودش را حادث کرده.

(2) از عدم بوده است.

(3) محدثی (=حادث‌کننده‌ای) دارد.

که با توجه به تدقیق‌های فلسفی گزینه سوم اثبات می‌شود نمی‌خواهم ورود کنم.

حالایک سوال:

آیا این استدلال نیست؟؟؟ بنظرتون دکتر استدلال نیاورده است یا آقای زئوس تا این حد با استدلال ها غربت دارد؟؟؟ کسی که در یک موضوع فرامادی (= اثبات خدا) بایک دید ماتریالیسمی (تجربه گرایی) ورود می کند تا چه اندازه بامبانی آشناست؟؟؟

حالانی خواهیم در حوزه Epistemology ورود کنیم ولی ازتون خواهش می کنم اگر در یک چنین موضوعی باهاتون مناظره می کنند حداقل به عنوان پیش فرض عقل را معتبر بدانید و ادامه بدید.

با متر، وزن نمی گیرند!

((ادامه نخواهم داد برویم گزینه بعدی)):

آقای زئوس در مورد این که گفته شد: حرکت وابسته است گفتند: ➡

حرکت فوتون جزو ذاتشه!

این سوال دقیقاً از همون سوالاتی بود که در تحلیل قبل خدمت دوستان

عرض کردیم!!

من عادت دارم نگاهم به اشکال به این نحو باشد که تهِ اشکال رو بینم.  
تهِ این اشکال چیست؟؟؟ این هست بگویم حرکت فوتون ذاتی است! اصلاً نه  
تنها حرکت فوتون ذاتی است بلکه حرکت برایِ عالم ماده ذاتی است؟؟  
خُب این را اقرار کنیم چه اتفاقِ جالبِ توجهی خواهد افتاد که این سؤال با چنین  
قدرتی پرسیده شد؟؟؟ ابن سینا عبارتی دارد که: «ما جعل الله المسمشه المسمشه  
بَل اوجدها»!

یعنی: خدا زرد آلود را زرد آلود قرار نداد بلکه زرد آلود وجود آورد!  
شاید احساس کنید اگر بگویند حرکت برایِ عالم ماده ذاتی است به این  
معناست که ادعایِ دکتر راد کرده اید ولی به هیچ وجه این طور نیست و نهایتاً  
باید بگوئیم: «عالم ماده ذاتاً وابسته به غیر است و این وابستگی لاینفک  
(= جدائی ناپذیر) عالم ماده است.

وقتی چیزی در اصل وجود و هستی وابسته به غیر است خُب  
طبیعی است که چنین وجودی یک سری ذاتیاتی هم خواهد  
داشت.

واقعاً این سؤالات برای چیست؟؟ غایت این سؤالات چیست؟؟

خود مونی: چه چیزی در ذهن شخصی باید بگذرد که یهو این سؤالات روبه عنوان پاسخ مسلم ارائه بدهد؟؟ يك پارادوکس جالب در کلام ایشان شاهد بودم. اگر خاطر شریفتون باشه ایشان (=آقای زنوس) بناءً رو بر این گذاشته بودند که تسلسل محال است و این روبه عنوان يك فرض پذیرفته بودند ولی در این مناظره گفتند: علت یه جسم دیگه است و تسلسل هم نداریم.

تایم این صحبت: 50:10 به زیبایی هرچه تمام تر آقای کاشانی يك سؤالی پرسید بودند که همین سؤال به معنای اتمام مناظره است: شما وابستگی رو قبول کردید و فرض هم بر صحت تسلسل گذاشتید با این حساب باید يك وجود فرامادی را بپذیرید.

فکر کنم این سؤال قبل از این پارادوکس آقای زنوس بود ولی اگر همین سؤال (=بامفروضاتی که داشتند) جواب می دادند خیلی دوست داشتم بینم این مناظره چطور به مطلوب (=خدا) نخواهد رسید.

ولی چه باید کرد که بایک سری سؤالات و مباحثِ دیگر از این سؤال در رفتند. زئوس: یک موجود که اصلاً وجود خارجی نداشته (حرکت نداشته، زمان نداشته) دریه زمانی علتِ بوجود آمدن ماده از هیچ شده. اونم اجازه ندارید بگید از هیچ بلکه ماده رو بدون هیچ ماده اولیه ای بوجود آورده است؛ این بازی با الفاظ است.

اولاً)) این همون نگاه ماتریالیسمی است که خدمتِ شما عزیزان عرض کردم. یعنی وجود رو مساوی: حرکت داشتن، زمان دار بودن بگیرد.

سؤال: چرا وجود = ماده است؟؟

جواب: هیچ جوابی ندارد مگر این که گفته شود ﴿چون من فقط برای تجربه اعتبار قائم.﴾

سؤال: آیا صحیح است با چنین مبنایی وارد یک بحث در حوزه فراماده شد؟؟؟  
دوماً)) دوستان در فلسفه هیچ واقعاً هیچ است.

این که خدا عالم ماده رو بدون هیچ ماده اولیه آفریده است بدین معناست که  
خلقت از هیچ بوده است؟؟؟  
خدا + اراده = خلقِ عالمِ ماده

یعنی، عالم ماده، ظهورِ اراده خداست؛ خُب ماده اولیه نبود ولی آیا نبودِ ماده  
اولیه به معنایِ یک نبود و نیستی به معنایِ واقعی کلمه است؟؟؟  
بعد جالب است این تدقیق‌های فلسفی می‌شود: بازی با الفاظ!  
به همین خاطر هست می‌گویم از ایجاز گوئی بشدت پرهیزید.  
(هر دم از این باغ بری می‌رسد):

زنوس: در گل مصنوعی، و گل طبیعی، من نمی‌تونم بگم گل مصنوعی  
رنگ و قد داره چون گل طبیعی هم رنگ و قد داره.

در اون روایت طرف در پاسخ به این که اگر مصنوع بودی چه خصوصیتی  
میداشتی؟ نباید می‌گفت طویل، عریض جوابِ پرتیه چون از کجا  
میدونسته غیر مصنوع خداوند طویل و عریض نیست؟؟

1\_ مگر بحث در مورد این هست که تفاوتِ «مصنوع» با «غیر مصنوع» چیست؟؟؟  
یک سری مثال هایی هم زدند بعد اگر در این مثال ها هم مناقشه شود می گویند  
مناقشه نکنید.

بله مثال نباید عین و اصلِ موضوع باشد ولی نباید هم کاملاً بی ربط به موضوع  
باشد.

2\_ از کج امید ونسته غیر مصنوع خداوند طویل و عریض نیست!!  
حالا یه شوخی هم کنیم: با این جمله یادِ استاد جوادِ خیابانی افتادم 😊  
((قبلا پاسخی به یکی از اعضای همین گروه دادم همون جواب رو خدمتون  
ارسال می کنم)): ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾

دکتر حدیث رو این طور نقل می کنند:

«امام صادق می فرماید: آیا شما مصنوع هستید یا خیر مصنوع نیستید؟»

ابن ابی العوجاء: من غیر مصنوعم.

امام: آگه مصنوع بودی چگونه بودی؟

ابن ابی العوجاء : یه تیکه چوب بر میداره وی گوید طویل ، عریض و....

و این اوصاف مخلوق (=مصنوع) است.

امام : با این حساب تو هم مصنوع هستی !

اگر دقت کنید بحث روی «مصنوع بماهو مصنوع» نیست بلکه بحث روی

«مصنوع بماهو مصنوع خاص» (=آنت) است.

امام صادق هم در ابتدا با ضمیر «انت» سؤال می پرسد ((نمی فرماید مصنوع چیست

بلکه می فرماید آیا تو مصنوعی!)) دربراهینی که سیر از معلول به علت است

معلولیت شیء واحد (=عالم ماده) کافی است که ما را به سمت یک وجود فرامادی

(=خدا) راهی کند.

از طرفی این اوصافی است که خود ابن.... گفت و امام صادق پذیرفت و اصلاً بدین

معنا نیست که «هر» مصنوعی چنین است چون قاعده می گوید «اثبات شیء نفی

ماعدانمی کند»

اگر گفتم «ماه زیباست» دلیل بر این نیست که «ستاره زیبا نیست»!

در اون مقطع و موضع بحث حول معلولیت و مصنوعیت عالم ماده بود. حالا بگذریم از این که برای شفاف سازی گفته شد : هر محدود نیازمندِ حادثی (=محدود کننده ای) است ولی بازم جواب داده نشد.

((دوستان بدونِ تعارف يك نکته رو خدمتون عرض می کنم و این نکته ما حاصلِ چندین سال فعالیت بنده است)):

کسی که در حوزه ایستمولوژی (=معرفت شناختی) عقل را پذیرفت و برای عقل اعتباری قائل شود اثباتِ خدا حتمی است / اشکالات بیشتری رو مدنظر داشتم ولی تا همین جا کافی باشد.

شبتون خوش

محکم از صبوری یکایک عزیزان